

رابطه هویت با خودمختاری، شایستگی و وابستگی در نوجوانان دبیرستانی

میترا نقی پور قزلیجه^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۱۱

زهرا ستوده^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۸/۱۰

صدراله خسروی^۳

نازنین هنرپروران^۴

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین هویت با خودمختاری، شایستگی و وابستگی در نوجوانان دبیرستانی است. این پژوهش کاربردی است و می تواند به شناخت هر چه بیشتر و بهتر نوجوانان، خودمختاری، شایستگی، وابستگی، مسائل و مشکلات آنها بینجامد. روش این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن را تمام نوجوانان دبیرستانی دختر و پسر شهرستان تهران تشکیل می دهند. برای این منظور ۳۰۰ دانش آموز به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای سنجش هویت از پرسشنامه هویت و برای بررسی نیازهای اساسی روانشناختی از پرسشنامه خودمختاری، شایستگی و وابستگی استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی، آزمون t و تحلیل رگرسیون تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین هویت با خودمختاری، شایستگی و وابستگی در نوجوانان رابطه مثبت و معناداری هست. نتایج دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که بین هویت در دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد.

کلید واژه: هویت و خود مختاری، شایستگی و وابستگی، نوجوانی و هویت، رابطه هویت با خودمختاری و شایستگی در جوانان.

۱- نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

Mitra.Naghypour@yahoo.com

zsotoodeh@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد

nazanin48@gmail.com

۴- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد استهبان

مقدمه

نوجوانی^۱، دوره گذر از کودکی به بزرگسالی و همراه با تغییرات چشمگیر در همه گستره‌های زندگی است که آن را به عنوان نقطه عطفی از سالهای دیگر زندگی متمایز می‌کند. نوجوانان در این دوره درصددند تا در دنیای پر ازدحام و شدیداً متغیّر معاصر، جایگاه خود را بیابند و هویتی^۲ از خویش به دست آورند؛ به عبارتی یکی از وظایف مهم دوره نوجوانی، شکل‌گیری هویت است به این معنی که نوجوان باید به این پرسش‌ها نظیر «من کیستم؟»، «مقصدم کجاست؟»، «جایگاه اقتصادی من کجاست؟»، «ارزشهای مذهبی، اخلاقی و فلسفی من چه خواهد بود؟»، «شغل آینده من چیست؟» «رشته تحصیلی من چه خواهد بود؟» پاسخ دهد. هویت، مجموعه به هم پیوسته‌ای از ارزشهای شخصی مرتبط با اهداف شغلی، ارتباطات و ارزشهای دینی و سیاسی است (اریکسون^۳، ۱۹۶۸). گلاسر اعتقاد دارد که هویت، نیاز به احساس جدا و متمایز بودن از دیگران است. به نظر او این نیاز تنها نیاز اساسی و روانی انسان است که همه مردم و در همه فرهنگها از آغاز تولد تا مرگ دارا هستند (رزمی، ۱۳۸۳).

شکل‌گیری هویت نه با نوجوانی آغاز می‌شود و نه با نوجوانی پایان می‌پذیرد بلکه هویت با ظهور و ایجاد حسی از خود و پیدا شدن استقلال شروع می‌شود و با مرور بر زندگی و یکپارچگی در سن پیری به مرحله نهایی خود می‌رسد. آنچه در مورد شکل‌گیری هویت مهم است، این است که پیشرفت فیزیکی، توسعه و پیشرفت شناختی و پیشرفت عاطفی - اجتماعی به نقطه ای می‌رسد که در آن افراد می‌توانند هویت‌های کنونی و قبلی خود را برای ساختن مسیر قابل اعتمادی به سمت

1 - adolescence
2 - Identifies
3 - Erikson

رسیدن به بلوغ جوانی یکپارچه کنند (سانتراک^۱، ۱۹۹۲). هویت نوجوانان شروع فرایند دائمی اصلاح در تعهدات شخصی است. هر وقت فرد یا وضع موقعیتی او تغییر می‌کند، احتمال تنظیم دوباره هویت هست (برک^۲، ۲۰۰۳؛ به نقل از سید محمدی، ۱۳۸۵). شکل‌گیری و رشد هویت بسادگی روی نمی‌دهد؛ بلکه نیازمند تعهد، انتخاب مسیر و جهت شغلی، کسب ایدئولوژیکی و جهتگیری جنسی است (سانتراک^۳، ۱۹۹۲). فرایند شکل‌گیری هویت از بدو تولد آغاز می‌شود و در دوره نوجوانی به اوج خود می‌رسد. از این رو به نظر بسیاری از پژوهشگران یکی از تکالیف عمده نوجوانی در جامعه تشکیل هویت است (فابر^۴، ۲۰۰۳).

آنچه مسلم است نوجوانان به شیوه‌های گوناگون به این مهم دست می‌یابند. گروه همواره درگیر فرایند خودکاو‌شگری فعال هستند و به جستجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند. این افراد نیاز زیادی به شناخت احساس می‌کنند؛ کمتر در جستجوی تأیید و تصدیق دیگران هستند؛ به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و در برخورد با موقعیت‌های مبهم و افراد جدید از پذیرش زیادی برخوردارند. گروه دیگر به شیوه جزمی و هنجاری عمل می‌کنند. این افراد همواره با تجربه و انتظارات افراد مهم زندگی خود هم‌نواپی می‌کنند و نسبت به اطلاعاتی که با باورها و ارزشهای درونی شده آنها در تعارض باشد و ساختار هویت آنها را تهدید کند بسته عمل می‌کنند. دسته سوم نوجوانانی هستند که تا جای ممکن از رویارویی با مسائل و تعارضات مربوط به هویت دوری می‌کنند؛ رفتارشان براساس عوامل موقعیتی و لحظه‌ای تنظیم می‌شود و بیشتر از راهبردهای ضعیف اسنادی و شناختی استفاده می‌کنند (بروزنسکی، ۲۰۰۳).

1 - Santrock
2 - Berk
3 - Santrock
4 - Faber

رشد و شکل گیری هویت نوجوانان تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون مسائل شناختی، ترتیب تولد، عوامل اجتماعی - فرهنگی مسائل خانوادگی و نظایر آن است (رزمی، ۱۳۸۳). از میان این عوامل برجسته ترین تأثیر را والدین، رابطه عاطفی بین آنها و ارضای نیازهای روانشناختی دارد (آقا محمدیان و شیخ روحانی، ۱۳۸۲). سیگلمن^۱ معتقد است که به طور کلی شکل گیری هویت موفق در نوجوانان محصول چهار عامل رشد شناختی، ارتباط با والدین، ارضای نیازهای روانشناختی، تجربه خارج از خانواده و زمینه گسترده تر اجتماعی است (سیگلمن، ۱۹۹۶).

یکی از پژوهشگرانی که به صورت بنیادی به هویت پرداخته، اریکسون است. بنابر نظریه اریکسون، هویت احساسی است که هوشیارانه تجربه می شود؛ احساسی که از تعامل فرد با واقعیت اجتماعی خویش ناشی می شود و دائماً در حال پاسخ به تغییرات محیط اجتماعی است. تشکیل و حفظ احساس قوی از هویت اهمیت فراوانی دارد و نبودن آن از نخستین عوامل تعیین کننده آسیب روانی و ناسازگاری است (کیمبل^۲، ۱۹۹۵). اریکسون در نظریه خود رشد روانی - اجتماعی فرد را به هشت مرحله تقسیم کرده است. به عقیده وی طی کردن هر مرحله به صورت موفقیت آمیز نشانگر حرکت فرد به سمت توازن مثبت در زندگی است (اسپرنیتال^۳ و کولینز^۴، ۱۹۹۵).

مرحله پنجم نظریه اریکسون، که مرحله هویت یابی در برابر سردرگمی نقش است به عنوان هسته نظریه اریکسون مطرح می شود. اریکسون ضمن اینکه به عوامل روانی و زیست شناختی توجه می کند، عوامل فرهنگی - اجتماعی را نیز در نظر می گیرد و تکلیف نوجوانان را تلفیق سائقهای جنسی جدید و خواسته های

1 - Sigelman
2 - Kimble
3 - Sperinthal
4 - Collins

اجتماعی می‌داند. تلفیق صحیح این عوامل، شخصیت سالم و یکپارچه‌ای به وجود می‌آورد که اریکسون این یکپارچگی را هویت می‌نامد (الزیباخ، ۱۹۹۹). به اعتقاد وی طی موفقیت‌آمیز مراحل قبلی رشد روانی - اجتماعی راه را برای حل مثبت و موفقیت‌آمیز تعارضهای روانی دوره نوجوانی (هویت در مقابل سردرگمی نقش) هموار می‌کند (پاشا و گل شکوه، ۱۳۸۲). بلومر اعتقاد دارد هویت، خود اجتماعی افراد است. بر این اساس، هویت فرد پنداشتی است که او از خود در جریان کنش متقابل با دیگران به دست می‌آورد. برمبنای دیدگاه کنش متقابل می‌توان گفت عواملی همچون مدرسه، همسالان، گروه‌های مرجع و رسانه‌های گروهی، اهمیت زیادی در جریان هویت‌یابی دارد (قنبری برزیان، ۱۳۸۳).

بنابر نظر گلاسر، هویت ساختار روانی - اجتماعی است و باعث تمایز فرد از دیگران می‌شود. به اعتقاد وی هویت با شخصیت مترادف، و برای هر فرد هویتی متصور، و آن تصویری است که فرد از خویشتن دارد. گلاسر معتقد است که یکی از راه‌های تکوین هویت، داشتن ارتباط و درگیری عاطفی با خود و دیگران است. گلاسر دو نوع هویت را از یکدیگر جدا می‌کند: هویت توفیق و هویت شکست. از نظر وی در ابتدا هویت کودکان هویت توفیق است و هویت شکست بعدها ایجاد می‌شود و آن زمانی است که کودک در کارها، ناموفق عمل می‌کند (شفیع آبادی، ۱۳۸۵).

جیمز مارسیا هویت را دربرگیرنده دو مفهوم اساسی می‌داند که عبارت است از: بحران و تعهد. از نظر وی بحران، با جستجو مترادف است و به عنوان دوره‌ای از پرسشگری، بررسی و آزمایش نقش و آرمانهای جایگزین تعریف می‌شود و برای دستیابی به هویت، گذراندن بحران اجتناب‌ناپذیر است. تعهد نیز به معنای تثبیت و اتخاذ تصمیمات نسبتاً پایدار و سرمایه‌گذاری شخصی در مورد این تعهدات است

(آدامز^۱، به نقل از محمدی، ۱۳۸۵). مارسیا به منظور عملیاتی کردن مفهوم هویت، چهار نوع هویت را مشخص کرد که عبارت است از: هویت آشفته (پراکنده): در این وضعیت فرد نه در حال تجربه بحران، و نه به تعهدی رسیده است. گرچه ممکن است در گذشته، دوره‌ای از بحران را تجربه کرده باشد در حل این بحران توفیقی نداشته است و اکنون در این زمینه دلمشغولی ندارد (مارسیا^۲، ۱۹۶۶). هویت پیش‌رس (ضبط هویت): فرد در این نوع هویت بدون گذراندن دوره جستجو و پرسشگری، تعهداتی را می‌پذیرد که اساس آن همانندسازیهای کودکی با ارزشهای والدین است. نوجوانان دارای هویت پیش‌رس نیازمند تأیید دیگران هستند؛ کمتر استقلال دارند و برای مراجع قدرت ارزش زیادی قائل هستند (ماسن^۳، به نقل از یاسایی، ۱۳۷۰). هویت دیررس (وقفه هویت): وقفه هویت به معنای جستجوگری با تعهد اندک همراه است. در این حالت هویت، فرد نیاز دارد که خود را در تجربه‌های مختلف بیازماید تا به شناخت عمیقی از خود برسد. این مرحله اغلب حاصل تصمیم‌گیری سنجیده اما دشوار هنگام فشارهای رایج زندگی است (اسپیرنیتال، ۱۹۹۵). کسب هویت: این نوع هویت نشان‌دهنده تعهدی است که پس از دوره‌ای از جستجوگری به دست می‌آید. مارسیا معتقد بود که این حالت نقطه پایان فرایند شکل‌گیری هویت است. این حالت هویت، پایگاه فردی را نشان می‌دهد که بحران هویت را پشت سر نهاده و به هویت مشخصی متعهد شده است (مارسیا، ۱۹۶۶).

بر اساس نظریه ارگانیزی محیط همواره در حال تغییر است و ارگانیزم هم برای سازگاری باید منعطف باشد. نظریه ارگانیزی نام خود را از اصطلاح ارگانیزم می‌گیرد که منظور از آن موجود زنده‌ای است که با محیط خود تبادل فعال دارد.

1 - Adams
2 - Marcia
3 - Massen

بقای هر ارگانیسمی به محیط آن بستگی دارد؛ زیرا محیط منابعی چون غذا، آب، حمایت اجتماعی و تحریک عقلانی را تأمین می‌کند و همه ارگانیسمها برای تعامل کردن با محیط خود تجهیز شده‌اند. مطابق با نظریه ارگانیسمی انسان دارای سه نیاز اساسی روانشناختی^۱ است که عبارت است از شایستگی^۲، خودمختاری^۳ و وابستگی^۴.

شایستگی، نیاز به مؤثر بودن در تعامل با محیط است که بیانگر میل انسان برای به‌کار بردن استعدادها و مهارتها در کار و دنبال کردن چالشهای بهینه و تسلط یافتن بر آنهاست (کریمی، ۱۳۷۷). نیاز به وابستگی از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که آدمی به لحاظ اینکه توانایی تصور و استدلال دارد، رابطه غریزی خود را با طبیعت از دست داده است؛ در نتیجه انسان باید روابط خاص خود را بیافریند و رضایت آموخته‌ترین رابطه، رابطه‌ای است مبتنی بر محبت سازنده با انسان دیگر که می‌تواند به غمخواری، مسئولیت، احترام و تفاهم متقابل منجر شود (کریمی، ۱۳۷۷).

خودمختاری، نیاز به آزاد شدن، درهم ریختن محدودیتها، شکستن انحصارات، مقاومت در برابر اجبار و بازداری، نیاز به مستقل بودن و آزاد بودن برای عمل طبق انگیزه‌ها برای به مبارزه طلبیدن عرف و سنت است؛ به عبارتی خودمختاری همان تجربه کردن انتخاب در شروع و تنظیم کردن رفتار است (ساعتچی، ۱۳۷۷).

محیط و موقعیتی که ما در آن زندگی می‌کنیم، می‌تواند این نیازها را فعال و ارضا کند یا آنها را نادیده بگیرد و ناکام سازد. اوضاع محیطی عمده‌ای که نیازهای ما را فعال می‌کند، چالشهای بهینه، ساختار بهینه، بازخورد مثبت، تصمیم‌گیری آزاد و تعامل و پیوند مناسب با دیگران است (پاتریک و همکاران^۵، ۲۰۰۷). مجموعه این

1 - basic Psychological Needs
 2 - competence
 3 - autonomy
 4 - relatedness
 5 - Patrick & Etal

نیازها و عواملی که موجب ارضا آنها می‌شود، عامل بسیار تأثیرگذاری برای پی‌ریزی ساختهای شخصیتی و ابعاد هویتی است به گونه‌ای که می‌تواند با ساختارها و قوانین و نقشهای خود به رشد هویت کمکهای شایانی کند (برک^۱، ۲۰۰۱، به نقل از محمدی، ۱۳۸۵). ارضای این نیازها به ایجاد احساس اعتماد به نفس، عزت نفس و خودپنداره مناسب منجر می‌شود. از سوی دیگر در عین حالی که فرد می‌تواند تصمیمات را به اختیار خود بگیرد و از این طریق احساس آرامش کند، می‌تواند با دیگران احساس وابستگی کند؛ با آنها مراوده، و مهارتهای متعدد اجتماعی کسب کند و به صورت مناسب آنها را به کار بندد؛ این درحالی است که این عوامل مقدمه و پیش زمینه مناسبی برای شکل‌گیری هویت مناسب است (برک، ۲۰۰۳، به نقل از محمدی، ۱۳۸۵).

پژوهشهای بسیاری در زمینه بررسی ابعاد هویت و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت از جمله عوامل روانشناختی انجام شده است. کراپ^۲ (۲۰۰۵) طی پژوهشی به این نتیجه رسیده است که ارضای نیازهای اساسی روانشناختی (خودمختاری، شایستگی و وابستگی) کاملاً با تجربه فرد مرتبط است و نقش بسیار مهمی در جهت دهی انگیزه‌های درونی فرد دارد. هم‌چنین سوئنس و گوسنس^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی سبکهای هویتی نوجوانان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین انواع مختلف سبکهای هویتی با تعدادی از متغیرهای اجتماعی - شناختی رابطه وجود دارد. پاتریک (۲۰۰۷) در تحقیقی دیگر دریافت که ارضای نیازهای روانشناختی (خودمختاری، شایستگی و وابستگی) کارکردهای مناسب را در افراد پیش‌بینی می‌کند.

1 - Berk

2 - Krapp

3 - Soenens & Goossens

فای و شارپ (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی نقش نیازهای روانشناختی در شکل‌گیری هویت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین نیازهای اساسی روانشناختی و هویت رابطه هست. آنان هم چنین دریافتند که بین نیاز روانشناختی شایستگی و انگیزه آموزش، رابطه‌ای قوی وجود دارد. دوریز و همکاران^۱ (۲۰۰۹) در پژوهشی به رابطه معناداری بین نیازهای روانشناختی با ابعاد مختلف هویت دست یافتند. براساس پژوهشهای کسیدی (۱۹۹۸) افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، دارای اعتماد به نفس بیشتر، برداشت مثبت از خود و خودآگاهی بیشتر، و در نتیجه دارای هویت موفقتری هستند. سهرابی (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان بررسی ارتباط بین ابعاد هویت و سبکهای دلبستگی در نوجوانان عادی و بزهدار دریافت که بین سبکهای دلبستگی ایمن و هویت موفق رابطه معناداری هست؛ اما بین دستیابی به دلبستگی ایمن و هویت موفق رابطه معناداری وجود نداشت. غرایبی و همکارانش (۱۳۸۴) طی پژوهشی دریافتند که نوجوانان تهرانی از نظر هویت بیشتر از همه در وضعیت مهلت مجاز و کمتر از همه در وضعیت اکتساب بودند.

با توجه به پژوهشهای بسیار در زمینه عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت و انواع آن در جوامع مختلف، پژوهشگر درصدد است با پژوهشی به بررسی رابطه بین سه متغیر نیازهای روانشناختی (خودمختاری، شایستگی و وابستگی) و هویت در جامعه ایرانی و نیز بررسی تفاوت‌های جنسیتی این متغیرها بپردازد. نتایج این تحقیق می‌تواند به خانواده‌ها و گروه‌هایی که با نوجوانان ارتباط دارند، کمک کند؛ عوامل مؤثر بر کسب هویت موفق را شناسایی، و آنها را تقویت نماید. هم‌چنین با توجه به ضرورت دستیابی به هویت در انسان و نیز اهمیت شکوفایی نیازهایی از قبیل خودمختاری، شایستگی و وابستگی، این پژوهش درصدد بررسی رابطه بین هویت

و نیازهای اساسی روانشناختی است تا مشخص شود آیا با تقویت این سه ویژگی روانشناختی می‌توان به هویت موفق دست یافت.

فرضیه کلی پژوهش

بین هویت و نیازهای اساسی روانشناختی (خودمختاری، شایستگی و وابستگی) رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

۱ - بین هویت و خودمختاری در دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه رابطه هست.

۲ - بین هویت و شایستگی در دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

۳ - بین هویت و وابستگی در دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه رابطه هست.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش همبستگی برای تعریف و بررسی ارتباط بین متغیرها استفاده شده است. این روش تحقیق، سنجش و ارزیابی چند متغیر و روابط میان آنها را در لحظه‌ای ویژه و در وضعیت واقعی فراهم می‌سازد؛ به عبارتی این روش برای مطالعه میزان تغییرات در یک یا چند عامل در اثر تغییرات یک یا چند عامل دیگر است (نادری و نراقی، ۱۳۸۳). برای بررسی ارتباط بین متغیرهای این پژوهش از ضریب همبستگی و رگرسیون و برای بررسی معناداری تفاوتها براساس جنسیت از آزمون T استفاده شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش تمام دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دبیرستانهای دولتی شهر تهران (شامل ۷۹۷۲۷ دانش‌آموز پسر و ۱۰۵۲۰۴ دانش‌آموز دختر در سه رشته تحصیلی تجربی، انسانی و ریاضی) است که در نیمسال دوم ۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بودند.

روش نمونه گیری در این پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است (سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۸۵)؛ بدین ترتیب که ابتدا از تمام مناطق آموزش و پرورش شهر تهران و از بخشهای جغرافیایی مختلف (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) به‌طور تصادفی پنج منطقه (مناطق ۶، ۳، ۱۲، ۱۸ و ۱۰) و از بین دبیرستانهای این مناطق به‌صورت تصادفی ده دبیرستان (پنج دبیرستان دخترانه و پنج دبیرستان پسرانه) انتخاب شد؛ سپس از بین کلاسهای این دبیرستانها ده کلاس (پنج کلاس دخترانه و پنج کلاس پسرانه) به‌صورت تصادفی انتخاب شد که از این تعداد ۱۵۰ دانش‌آموز پسر و ۱۹۰ دانش‌آموز دختر بودند. سپس پرسشنامه‌ها توسط این دانش‌آموزان تکمیل شد. البته پس از تصحیح ۴۰ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن حذف گردید و حجم نمونه آماری به ۳۰۰ مورد کاهش یافت.

ابزار و مقیاسهای پژوهش

۱ - پرسشنامه هویت

پرسشنامه هویت بر اساس نظریه اریکسون (۱۹۶۳) و مارسیا (۱۹۶۴) و به‌وسیله بالیستری و همکاران در سال (۱۹۹۵) ساخته شده است. این آزمون ۳۱ سؤال دارد. جوابها در مقیاس لیکرت و از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم شده است. حداکثر نمره قابل کسب ۱۶۰ و حداقل آن ۳۱ خواهد بود. پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ و ضریب بازآزمایی آزمون ۰/۸۴ گزارش

شده است (بالیستری و همکاران^۱، ۱۹۹۵). سامانی (۱۳۸۰) پایایی این مقیاس را با روش بازآزمایی معادل ۰/۸۲ و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ را برای جامعه ایرانی گزارش کرده است (رزمی، ۱۳۸۳).

۲- پرسشنامه خودمختاری، شایستگی و وابستگی

پرسشنامه خودمختاری، شایستگی و وابستگی بر اساس نظریه خودمختاری، که هسته مرکزی آن مفهوم نیازهای اساسی روانشناختی است، تهیه و تنظیم شده است. این مقیاس شامل ۲۱ عبارت است و سه خرده مقیاس خودمختاری، شایستگی و وابستگی را مورد ارزیابی قرار می دهد. پاسخهای هر عبارت در یک پیوستار هفت درجه ای از کاملاً غلط تا کاملاً درست مورد ارزیابی قرار می گیرد که پاسخ دهنده متناسب با وضع خودش از یک تا هفت عدد را انتخاب می کند. لازم به ذکر است که پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و برای هر یک از زیر مقیاسهای شایستگی، وابستگی و خودمختاری به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۵۷ و ۰/۶۲ به دست آمده است (دسی و ریان^۲، ۲۰۰۰). مجدیان ۱۳۸۸ میزان پایایی این آزمون را بررسی کرد که آلفای کرونباخ برای هر یک از زیر مقیاسهای شایستگی، وابستگی و خودمختاری به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۶۴ و ۰/۷۱ به دست آمد (مجدیان، ۱۳۸۸).

یافته‌های پژوهش

هدف این پژوهش بررسی رابطه هویت با خودمختاری، شایستگی و وابستگی از طریق آزمون فرضیه‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون است.

1 - Balistri & Etal

2 - Deci & Ryan

جدول ۱: ماتریس همبستگی بین هویت، خودمختاری، شایستگی و وابستگی در دانش آموزان

دبیرستانی

نام متغیر	هویت	خودمختاری	شایستگی	وابستگی
هویت	۱			
خودمختاری	**۰/۲۷۵	۱		
شایستگی	**۰/۷۳۱	**۰/۲۸۶	۱	
وابستگی	**۰/۶۷۵	**۰/۱۵۶	۰/۰۷۳	۱

**P<۰/۰۱

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، بین هویت و ابعاد مختلف خودمختاری (۰/۲۷۵)، شایستگی (۰/۷۳۱) و وابستگی (۰/۶۷۵) رابطه مثبت و معنی داری هست (P< ۰/۰۱).

جدول ۲: تحلیل رگرسیون برای بررسی رابطه تعاملی متغیرهای پژوهشی

شاخص الگو	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	سطح معنا داری
رگرسیون	۱۲۷۷۲/۳۸	۳	۴۲۵۷/۴۶	۲۱۶/۶۷	۰/۷۲	۰/۵۲	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۱۷۱۱/۱۳	۲۹۷	۱۹/۶۵				

برای بررسی رابطه های متغیرهای پژوهش از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، رابطه تعاملی مثبت و معنی داری بین هویت و نیازهای اساسی روانشناختی وجود دارد. همان‌طور که نتایج جدول نشان می‌دهد F مشاهده شده به‌طور معناداری از F جدول بزرگتر است (P<۰/۰۰۱) و ۵۲ درصد واریانس مربوط به هویت یابی با خودمختاری، شایستگی

و وابستگی تبیین می‌شود ($R^2 = 0/52$)؛ به عبارتی فرضیه کلی تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۳: نتایج آزمون T گروه‌های مستقل در مورد نقش جنسیت درباره هویت و خودمختاری، شایستگی و وابستگی

نام متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	T	درجه آزادی	سطح معناداری
هویت	پسر	۱۳۰	۱۱۰/۳۴	۱۱/۴۷۳	۲/۶۷۳	۲۹۸	۰/۰۱
	دختر	۱۷۰	۱۱۳/۱۸	۹/۶۱۶			
خودمختاری	پسر	۱۳۰	۲۵/۵	۲/۳	۸/۶	۲۹۸	۰/۰۰۱
	دختر	۱۷۰	۲۳/۶۲	۲/۷			
شایستگی	پسر	۱۳۰	۲۰/۶	۱/۸۱	۶/۱	۲۹۸	۰/۰۰۱
	دختر	۱۷۰	۲۲	۳/۰۵			
وابستگی	پسر	۱۳۰	۲۶/۴۸	۲/۷۴	۷/۶	۲۹۸	۰/۰۰۱
	دختر	۱۷۰	۲۸/۸۴	۱/۶۵			

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، نتایج آزمون T بیان‌کننده این است که بین میزان هویت و خودمختاری، شایستگی و وابستگی در گروه دختران و پسران تفاوت معنی‌داری هست ($P < 0/001$). بنابراین با اطمینان ۹۵٪ فرض صفر تحقیق رد، و فرضیه پژوهشی تأیید می‌شود. این تفاوت در مرحله کسب هویت به نفع دختران است. در بخش نیازهای اساسی روانشناختی در دو نیاز خودمختاری و شایستگی تفاوت به نفع پسران و در نیاز وابستگی به نفع دختران است.

بحث و نتیجه گیری

آنچه ذیلاً مورد بحث قرار می گیرد، دلایل و مستندات است که به قبول یا رد فرضیه‌های پژوهش مربوط است.

فرضیه کلی پژوهش: بین هویت و خودمختاری، شایستگی و وابستگی در دو جنس تفاوت هست.

براساس نتایج جدول ۳ چنین استنباط می شود که میزان هویت بین دختران و پسران دانش آموز متفاوت است که این تفاوت بین گروه دختران از گروه پسران بیشتر گزارش شده است ($P < 0/01$). نتایج این یافته با پژوهشهای زیر همسو است: غرایب و همکارانش (۱۳۸۴) تحقیقی با عنوان وضعیت هویتی نوجوانان تهرانی انجام داده اند که در این بررسی بین وضعیت هویت دختران و پسران تفاوت معنی داری را یافته‌اند. ولوارس^۱ و بوسما^۲ (۲۰۰۵) در بخشی از پژوهش خود اعلام کردند، بین جنسیت و هویت و بهزیستی روانشناختی تفاوت معناداری هست. برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) با بررسی ساختارهای هویتی دانشجویان به این نتیجه رسیدند که دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر روابط بین فردی صمیمانه تر و تحمل بیشتر عقاید دیگران را گزارش کردند؛ در مقابل، پسران نسبت به دختران سبک زندگی سالمتری نشان دادند.

نتایج این یافته با پژوهشهای زیر نا همسو است:

طبق پژوهش سهرابی و البرزی (۱۳۸۴) بین هویت موفق دختران و پسران تفاوت معنی دار آماری گزارش نشده است، هم‌چنین قربانی و همکارانش (۱۳۸۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده اند که عامل جنسیت در خصوص سبکهای هویتی تأثیری ندارد. آدامز و فیچ (۱۹۸۲) در یک بررسی طولی در مورد رشد هویت افراد

1 - Vleioras
2 - Bosma

در اواخر دوره نوجوانی تفاوت معنی داری را در شکل گیری هویت دختران و پسران گزارش کرده‌اند (ترجمه شیخ روحانی ۱۳۷۸). در این راستا آلیسون و شولتز^۱ (۲۰۰۱) میان دختران و پسران در وضعیت‌های هویتی، تفاوت معنادار آماری به دست آوردند. آنها دریافتند دختران بیشتر از پسران دارای هویت سردرگمی و گسیختگی بودند.

در خصوص دلایل ناهمسو بودن این پژوهشها با نتیجه فرضیه اصلی دوم در این پژوهش می‌توان گفت در این تحقیق مفهوم هویت به صورت شخصی و کلی بین نمونه‌های تحقیق بررسی شد اما با نگاه اجمالی به نتایج پژوهشها می‌توان دریافت که در این تحقیقات هویت با عنوانهای «هویت موفق، سبکهای هویت و هم‌چنین هویت سردرگمی و گسیختگی» مد نظر بوده است؛ لذا به نظر می‌رسد به علت تفاوت مفهوم هویت در پژوهشهای یاد شده با نتایج فرضیه، این ناهمسویی را ایجاد کرده است.

فرضیه اول: بین هویت و نیاز به خودمختاری در دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

به استناد جدول شماره ۳، بین هویت و نیاز اساسی روانشناختی خودمختاری از نظر آماری رابطه معنی دار وجود دارد ($P < 0/001$).

نتایج این یافته با پژوهشهای زیر همسو است:

در تحقیق دوریز و همکاران^۲ (۲۰۰۹)، فای و شارپ^۳ (۲۰۰۸) بین نیاز اساسی روانشناختی خودمختاری و هویت رابطه معنی دار آماری نشان داده است. برزونسکی و کاک^۴ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی ساختارهای هویتی

1 - Allison & Scultz

2 - Duriez & Etal

3 - Faye & Sharpe

4 - Kuk

دانشجویان به رابطه معنی دار آماری بین سبکهای هویتی و نیاز خودمختاری بین دانشجویان دست یافته است. هم‌چنین از دیگر پژوهشهای همسو، پژوهش وناسن و بکر^۱ (۲۰۰۹) در مورد خود مختاری و ارتباط آن با عامل اصلی شخصیت، می‌توان اشاره کرد.

از آنجا که دوره نوجوانی زمان تصمیم‌گیریهای اساسی است و این تصمیمات عموماً تأثیر بسزایی بر تمام زندگی فرد می‌گذارد، این دوره را باید دوره‌ای جداگانه و پر اهمیت در زندگی به شمار آورد. این دوره برای والدین و خود فرد بسیار حائز اهمیت است. به دلیل اهمیت فراوان تصمیم‌گیریهای دوره جوانی، مهمترین جنبه دستگاه روانی فرد در این دوره همان رشد فکری و سطح آگاهی اوست. بدون این رشد فکری، فرد نخواهد توانست تفاوت‌های اصلی افکار خود را با دیگران دریابد و اندیشه‌های خود را به صورتی واقع بینانه بررسی و نقد و ارزیابی کند. انسجام هویت و رشد فکری دوره نوجوانی و انعطاف پذیری افکار باعث می‌شود که شخص بتواند در کناری قرار بگیرد و به صورتی بیطرفانه به خود به عنوان شخص بنگرد. در این صورت او خواهد توانست خویشتن را به عنوان یکی از ابنای بشر به‌عنوان فردی در میان افراد دیگر به عنوان فردی اندیشمند و به عنوان فردی صمیمی در اجرای نقشهای مختلفی که بر عهده می‌گیرد، در نظر داشته باشد.

فرضیه دوم: بین هویت و نیاز به شایستگی در دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه رابطه هست.

با توجه به نتایج، بین هویت و شایستگی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($P < 0/001$)؛ بنابراین فرضیه پژوهشی فرعی دوم مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج این یافته با پژوهشهای زیر همسو است:

دوریز و همکاران^۱ (۲۰۰۹)، فای و شارپ^۲ (۲۰۰۸) بین نیاز اساسی روانشناختی شایستگی و هویت رابطه معنی دار آماری نشان می دهند. کراپ^۳ (۲۰۰۵)، ارضای خودمختاری، شایستگی و وابستگی کاملاً با تجربه هیجانی فرد مرتبط است. افراد با توجه به تواناییها و استعدادهایشان مورد تشویق و تقویت درونی قرار می گیرند که این فرایند باعث شکل گیری اهداف آینده و افزایش شایستگی در آنان می شود. رسیدن به اهداف تعیین شده در آینده باعث احساس شایستگی در فرد خواهد شد. در این خصوص هرچه نوجوانان در محیط‌هایی قرار بگیرند که احساس شایستگی آنها تقویت شود، رشد بازنماییهای نوجوان را موجب می شود تا در مجموع به کشف جهان پیرامون و رشد هویت مناسب دست یابند. فرضیه سوم: بین هویت و نیاز به وابستگی در دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج جدول ۳، بین هویت و خودمختاری رابطه مثبت و معنی داری هست ($P < 0/001$)؛ بنابراین فرضیه پژوهشی فرعی سوم مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج این یافته با پژوهشهای زیر همسو است:

دوریز و همکاران^۴ (۲۰۰۹)، فای و شارپ^۵ (۲۰۰۸) در تحقیقی بین نیاز اساسی روانشناختی وابستگی و هویت رابطه معنی داری نشان داده اند. ماتوس و همکاران^۶ (۱۹۹۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که روابط نزدیک با والدین با رشد بازنماییهای مرتبط است که نوجوان را قادر می سازد به خودش در کشف جهان پیرامون اعتماد نماید و اوضاع مناسبی برای نوجوان فراهم می سازد تا راههای

-
- 1 - Duriez & Etal
 - 2 - Faye & Sharpe
 - 3 - Krapp
 - 4 - Duriez & Etal
 - 5 - Faye & Sharpe
 - 6 - Matos & Etal

متفاوتی برای ارتباط با جهان جستجو کند و در نتیجه به احساسی قوی از خود برسد؛ بنابراین هویت نوجوان تحت تأثیر دل بستگی به والدین قرار می گیرد (به نقل از قاسمی و همکاران، ۱۳۸۲).

بر اساس پژوهشهای کسیدی (۱۹۹۸) ترجمه حقیقی و همکاران در سال ۱۳۸۵ افرادی که سبک دل بستگی ایمن دارند، اعتماد به نفس بیشتر؛ برداشت مثبت بیشتر از خود و خودآگاهی فراوانتری دارند و در نتیجه دارای هویت موفق هستند؛ اما افرادی که سبک دل بستگی نایمن اجتنابی یا سبک دل بستگی نایمن دوسوگرا دارند، دارای هویت به تعویق افتاده یا آشفته هستند (به نقل از حقیقی و همکارش، ۱۳۸۵). فابر و همکاران^۱ (۲۰۰۳) طی پژوهشی با عنوان تأثیر دل بستگی نوجوانان بر هویت یابی به این نتیجه رسیدند که پیوند و ارتباط فرزندان با مادر با وضعیت هویتی کسب هویت، پراکندگی و وقفه هویت نوجوانان مرتبط است. هم چنین دل بستگی پدر به فرزند به طور مثبت با وقفه هویت مرتبط است. مالیس^۲ (۲۰۰۳) طی پژوهش خود با عنوان عملکرد خانواده و هویت یابی به این نتیجه رسید که هرچه روابط بین فردی و دل بستگی در خانواده بیشتر باشد، شکل گیری هویت با فرایند سالمتری پیش می رود (به نقل از رزمی و سامانی، ۱۳۸۳).

دوره نوجوانی ویژگیهای معینی در فرد ایجاد می کند که شکل گیری و تکوین هویتی یکی از ویژگیهای این دوره است؛ یعنی نوجوان مانند جامعه در حال گذار است که وجودش کاملاً به پدر و مادرش وابسته است و هر وقت مورد توجه قرار گیرد، احساس آرامش می کند. در دوره نوجوانی فرد حالت بینابینی دارد؛ یعنی از دوران کودکی فاصله می گیرد و به بزرگسالی نزدیک می شود. در این خصوص هر چه همبستگی بین اعضای خانواده بهتر باشد و آنها ارتباط مناسبتری با هم داشته

1 - Faber & Etal
2 - Maliss

باشند در این فرایند ارتباطی، نوجوان به خود شناسی و شخصیت بهتر و نهایتاً به تکامل هویتی می رسد. رضایی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه هویت فردی و الگوی دلبستگی به این نتیجه رسید که بین سبک دلبستگی ایمن با هویت آشفته رابطه معناداری هست.

برزگر (۱۳۸۵) طی پژوهشی با عنوان رابطه سبکهای دلبستگی با هویت‌های چهارگانه نشان داد بین هویت پیشرفته و دلبستگی ایمن رابطه مثبت وجود دارد.

منابع

- ۱- اثنی عشر، مریم (۱۳۷۸). بررسی رابطه الگوهای خانواده و باورهای مذهبی با وضعیت هویت در نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲- برزگر، کمال (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با هویت‌های چهارگانه در دانش‌آموزان دبیرستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- ۳- برک، لورا (۲۰۰۱). روان‌شناسی رشد. ج دوم. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۵). تهران: انتشارات ارسباران.
- ۴- پاشا، غلامرضا؛ گل شکوه، فرزانه (۱۳۸۲). رابطه بین اکتساب هویت و بهداشت روانی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. فصلنامه تربیتی و روان‌شناسی. ش ۷.
- ۵- حقیقی، جمال (۱۳۷۹). بررسی رابطه سلسله مراتب نیازها با اضطراب آموزشگاهی و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۶- رضایی، منصوره (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین هویت فرد، الگوهای دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا تهران.
- ۷- ریو، جان مارشال (۲۰۰۳). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۵). تهران: نشر ویرایش.

- ۸- ساعتچی، محمود (۱۳۷۷). نظریه پردازان و نظریه ها در روان شناسی. تهران: انتشارات سخن.
- ۹- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۵)، روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگاه.
- ۱۰- شاره، حسین؛ اقامحمدیان، حمیدرضا (۱۳۸۶). بررسی رابطه پایگاه هویت و فرار دختران از خانه. مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران. س ۱۳. ش ۲.
- ۱۱- شاملو، سعید (۱۳۷۷). مکتب ها و نظریه ها در روان شناسی شخصیت. چ ششم. تهران: رشد.
- ۱۲- شریعتمداری، علی (۱۳۸۸). روان شناسی تربیتی. تهران: نشر امیرکبیر.
- ۱۳- شفیق آبادی، عبدالله (۱۳۷۲). فنون و روشهای مشاوره. تهران: نشر ترمه.
- ۱۴- شکری، امید و همکاران (۱۳۸۶). تفاوت های فردی در سبک های هویت و بهزیستی روان شناختی: نقش تعهد هویت. تازه های علوم شناختی. س ۹. ش ۲.
- ۱۵- کریمی، یوسف (۱۳۷۷). روان شناسی شخصیت. چ چهارم. انتشارات ویرایش.
- ۱۶- ماسن، پاول هانری (۱۳۷۰). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسای. نشر مرکز.
- ۱۷- رزمی، محمدرضا (۱۳۸۳). بررسی تأثیر عملکرد خانواده بر شکل گیری هویت در نوجوانان شهرستان شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه شیراز.
- ۱۸- نادری، عزت الله، سیف نراقی، مریم (۱۳۸۳). روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: نشر بدر.

- ۱- Allison, B.N. Schultz, J.B (2010). Inter personal identity formation during early adolescence. journal adolescence, 36, 509 – 522.
- ۲- Archer, S.L. (1989). Gender difference in identity development issues of process, domain and timing. Journal of adolescence, 12, 117 – 138 –Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? Identity: An International Journal of Theory and Research, 3(2), 131-142
- ۳- Balistreri, E., Busch-Rossnagel, N. A. & Geisinger, K. F. (1995). Development and preliminary validation of the Ego Identity Process Questionnaire. Journal of adolescence 18, 179-19..

- Sigelman, C.K., (1999). *Life-span Human development*. Brookly col, publishing company (TIP), pp, 280-409.
- ۴- Berkelmans, M, Evelen, F, & Korthagen, F, (2008). Fulfilment of the basic psychological need of student teachers during experiences. *Teaching and teacher education* 24, 1137-1148.
- ۵- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3(2), 131-142
- ۶- Berzonsky, M. D., & Kuk, L.S. (2005). Identity style, psychological Maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*. 39, 235-247.
- ۷- Deci, E.L & Ryan, R.M (2000). The «what» and «why» of goal pursuits: human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*, 11, 227-268.
- ۸- Duriez, B; Goossens, L; Vansteenkiste, M; Luyckx, L (2009). Basic need satisfaction and identity formation: bridging self-determination theory and process-oriented identity, research. *Journal of counseling psychology*. 56, 276-288.
- ۹- Elsbach, J.S. (1999). *Mirrors and windows. An adolescence identity formation curriculum for eighth grade in independent school. May kligentein project. www. kligentein-orj.*
- ۱۰- Erikson, E.H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New Yourk Norton.
- ۱۱- Faber. Anthony, J, Edwards. Anne.E, Bauer. Karlin, S & Wetchler. Joseph, L (2003). Family structure : Its effects of adolescent attachment and identity formation ; the *American journal of family therapy* , 31, 243-255.
- ۱۲- Farrell, A. D. Danish, S. J. & Howard, C. W. (1992) Relationship between drug use and other problem behaviors in urban adolescents. *Journal of consulting and Clinical Psychology*, 60, 705 – 712 .
- ۱۳- Faye, C & sharpe, D (2008). Academic motivation in university: the role of basic psychological needs and identity formation. *Canadian journal of behavioral science*, 5, 189-299.
- ۱۴- kimmel. D.L & Weiner I.B. (1995). *Adolescence Developmental transmission*. Johnwiley & sons. Ins. New York.
- ۱۵- Krapp, A, (2005). Basic need and the development of interest and intrinsic motivational orientations. *Journal of learning and instruction*, 15, 381-395.

- ۱۶- Kroger, J. (2000). Identity in adolescence: the balance between self and other. London: Routledge.
- ۱۷- Marcia J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of personality and social psychology*, 3 (5), 551-558
- ۱۸- Marcia, E. J. (1993). *Ego identity: a handbook for psycho-social research*. New York: Springer-Verlag.
- ۱۹- Patrik, H.; Kneib, R.; Canevello, A.; Lonsbary, G. (2007). The role of need fulfillment, relationship functioning and well-being. *Journal of personality and social psychology*, 92, 234-257.
- ۲۰- Santarack, N. (1992). *Lifespan development*. New York: W. C. Born.
- ۲۱- Schwartz, S. J. (2001). "The evolution of Erikson's and neo-Erikson's identity theory and research: A review and integration" *Identity*, 1, 7-58.
- ۲۲- Sigelman, C. K. (1999). *Lifespan Human development*. Brooks/Cole Publishing Company (TIP), pp. 280-409.
- ۲۳- Soenens, B., & Goossens, L. (2005). Social-psychological profiles of identity styles: attitudinal and social-cognitive correlates in late adolescence. *Journal of Adolescence*, 28, 107-125.
- ۲۴- Sperinthal, N. A., & Collins, A. (1995). *Adolescent psychology development review*. Third edition. by M. C. Grav, Hill, Inc. Also, 1984.
- ۲۵- Steinberg, L. (2001). We know something: parents' adolescent relationships in retrospect and prospect. *Journal of research on adolescence*, 11, 1-19.
- ۲۶- Vavashev, M., & Bekker, M. (2009). Sex differences in autonomy-connectedness: the role of personality factors. *Journal of the personality and differences*, 47, 12-17.
- ۲۷- Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, 28 (3), 397-409